



آقای بازغی این سوالات را نپرس!

مجری «کودکشو» در یکی از جذاب ترین آیتم های این برنامه با پرسیدن چند سوال از والدین

به دنبال محک زدن میزان شناخت آن ها از فرزندشان است اما این راهش نیست

دکتر ساحل گرامی | روان شناس کودک

محوری

«بزرگ ترین آرزوی فرزندتان چیست؟»، «پژمان بازغی» این سوال را از پدر و مادرهای شرکت کننده در برنامه جذاب کودک کشومی پرسد و آن ها را به چالش می کشد. پدر یک پاسخی می دهد و مادر پاسخ دیگری. آن ها تنها ۳۰ ثانیه فرصت دارند به جمع بندی برسند. در میان آن همه بارش فکری پدر و مادر یک گزینه را به عنوان پاسخ نهایی اعلام می کنند و بعد، دوربین به داخل اتاقی می رود که کودک در آن جانشسته است. سوال از کودک پرسیده می شود و جواب او نه تنها پاسخ نهایی والدین اش نیست بلکه اصلا در بین گزینه های احتمالی آن ها هم نبوده است! سپس بازغی صدایش را صاف می کند و می گوید که باید بچه تان را بهتر بشناسید و با سلاقی اش بیشتر آشنا شوید و ...! این روال تقریباً در همه قسمت های برنامه «کودکشو»، تکرار می شود اما یک سوال در ذهن ها به وجود می آید که آیا چنین برداشتی از پاسخ های اشتباه والدین درست است؟ آیا پاسخ های متفاوت والدین و کودکان به چنین سوالاتی، نشان دهنده شناخت نداشتن آن ها از فرزندشان است یا پای مسائل دیگری در میان است؟ شایان ذکر است که «کودکشو» از شنبه تا سه شنبه ساعت ۲۳ از شبکه نسیم پخش می شود.

درست است که مسابقه است اما ...

همان طور که گفته شد در این مسابقه تلویزیونی که مبنای آن بر حضور کودک و والدین است، بخشی وجود دارد که سوالات مشترکی از کودک و والدین پرسیده می شود و بنا بر شباهت یا تفاوت پاسخ ها، به شرکت کنندگان امتیاز تعلق می گیرد. درست است که این بخش به عنوان یک سرگرمی متفاوت در این مسابقه گنجانده شده اما فارغ از مسئله بد یا باخت در این میبحث، طبیعتاً بعضی از پاسخ های والدین و فرزندان با یکدیگر فرق می کند و مجری با اصرار از والدین می خواهد که به شناخت بیشتری از فرزندان شان برسند و اشتباه بودن این ماجرا، درباره همین اتفاقی است که بعد از پاسخ های اشتباه والدین می افتد.

چگونه علاقه مندی های فرزندمان را کشف کنیم؟

به شخصه در جلسات فرزندپروری که برای والدین برگزار می کنم، برای میبحث پاداش در قبال کار خوب کودک، از والدین می خواهم که از علاقه مندی های کودک خود برابم بگویند تا با کمک آن ها، پاداش مناسب را انتخاب کنیم و برنامه درمانی مان را بهتر و اصولی تر پیش ببریم. اما متأسفانه بسیاری از والدین از علاقه مندی های فرزندان خود کاملاً بی اطلاع هستند و به جزیکي دو مورد، نمی توانند فعالیت یا علاقه مندی خاصی را نام ببرند. این که چرا دنیای والدین و فرزندان تا این اندازه دور از هم است، جای بسی تأسف است و به نظر می رسد در این زمینه، بیشتر والدین نیاز به آموزش دارند تا به شناخت عمیق تری از فرزندان خود برسند. در این شرایط از والدین می خواهم به این سوالات پاسخ دهند:

فرزندتان در اوقات بیکاری خود چه می کند؟ سوالاتش معمولاً در چه زمینه ای است؟ یا هنگامی که از شما می خواهد بازی کنید، چه نوع بازی را ترجیح می دهد؟

پاسخ به این سوالات می تواند در شناخت بیشتر کودک، ما را یاری کند. شناختی که تا حد زیادی برای کمک به کودک در حوزه های گوناگون، لازم است.

والدین را دچار احساس بی کفایتی نکنید

اما مسئله ای که در این برنامه مطرح می شود، تأکید مجری برای به دست آوردن شناخت بیشتر از کودک بعد از طرح بعضی سوالات خاص در شرایط متفاوت یک برنامه تلویزیونی است. در این شرایط، بارها و بارها دیده ایم والدینی که پاسخ اشتباه به سوالات داده اند، دچار احساس بی کفایتی می شوند و

احتمالاً در ناخودآگاه شان فکر می کنند چه چیزی موجب این میزان بی اطلاعی درباره کودک شان شده است. این در حالی است که به دلیل محدود بودن دامنه توجه و تمرکز کودکان، محرک های محیطی به سادگی می توانند حواس آن ها را پرت کنند و باعث تغییر پاسخ ها شوند و برای بدیهی ترین سوالات، پاسخ های متفاوت بدهند. پس نمی توان تمام این مسئله را به شناخت نداشتن والدین از فرزندشان ربط داد.

سوالات نباید کودک را سراسر دوراهی قرار دهد

یکی از سوالاتی که در این برنامه طرح می شود، این است که چه کسی را بیشتر از همه دوست داری؟ چند سال است که روان شناسان به اتفاق طرح چنین سوالاتی را منع کرده اند و پیشنهاد می شود حتی درباره اقوام نزدیک مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ هم چنین پرسش هایی نشود. حال با توجه به نقش بزرگ و حیاتی والدین در زندگی کودک، سوال در این باره اساساً مردود است زیرا کودک را در یک دوراهی ارزشی قرار می دهد و او برای انتخاب یکی از والدین تحت فشار قرار می گیرد و دچار احساس گناه می شود.

بنا بر این بهتر است برای برگزاری چنین مسابقاتی، سوالات در محدوده سوالات

ارزشی قرار نگیرد و تنها به علاقه مندی های کودک محدود شود. همچنین مجری برنامه با تأکید بر ضرورت شناخت بیشتر والدین از کودک شان بعد از شنیدن بیشتر از کودک بعد از طرح بعضی سوالات خاص در شرایط متفاوت یک برنامه تلویزیونی است. در این شرایط، بارها و بارها دیده ایم والدینی که پاسخ اشتباه به سوالات داده اند، را هنمایی کنند.

مریم، فرزند وطن

داستان زندگی دختر افغانستانی که سال ها در ایران زندگی کرده و دلش به آینده کشورش روشن است

دکتر مریم ذاکری | روزنامه نگار

اولین بار مریم را توی صف شیر دیدم. او را می شناختم، می دانستم که افغانستانی است و در مدرسه خودمان در شیفیت مقابل درس می خواند. این راهم می دانستم که شاگرد اول کلاس شان است. یکی از فقایی او را با انگشت نشانم داده بود که آن دختر را می بینی، افغانی است اما هیچ چیزش به افغانی ها نرفته. کلیشه ای اشتباه در ذهن مان بود! از مردم قوم هزاره و همه افغانستانی های عزیز را شبیه هم می دیدیم. ملاقات های روزانه مان توی صف شیر ادامه داشت تا این که در سال تحصیلی بعد با او هم کلاس شدیم و سه سال بعدی توی یک نیمکت نشستیم.

مریم متولد مشهد بود، از روی فارسی حرف زدنش کسی متوجه افغانستانی بودنش نمی شد، او هم تا جایی که لازم نبود این مسئله را به زبان نمی آورد. تمام کتاب های توی کتابخانه مدرسه و حتی کتابخانه های محله را خوانده بود، تفریح مان این بود که کتاب هایی را که خوانده ایم، برای هم تعریف کنیم. او برادران کارامازوف را خوانده بود و من جنایت و مکافات. او عاشق کتاب های شریعتی بود و من طرفدار رمان های تاریخی میکا و التاری. هم مسیر که می شدیم از آن ها می گفتیم تا وقت مان تلف نشود.

پدر مریم در شهر هرات کار می کرد، این که پارچه فروش بود یا صادرات پارچه می کرد در ادست نمی دانم، اما یادم هست در سال های حکومت طالبان که پدرش را به خاطر نداشتن ریش دستگیر کرده بودند، اوضاع زندگی مریم و خانواده اش چندان مناسب نبود. کفش های آبی رنگ و پارچه ای اش پاره شده بود و شست و پاش از آن ها بیرون می زد. حتی همین کفش های پاره هم برایش اعتبار می آورد. مریم همیشه دانش آموز محبوب همه دبیره ها و دوست مهربان و صبور همه بچه ها بود.

سال ۸۲، پس از شکست طالبان و روی کار آمدن حامد کرزی مریم بر خلاف من و سایر همکلاسی های مان در کنکور سراسری شرکت نکرد و همراه خانواده اش راهی هرات شد. وقتی هنوز ارتباط های مجازی نبوده بود، راه ارتباطی مان که نامش بود. سال اول مریم در کنکور افغانستان شرکت کرد و چون وقت چندانی برای مطالعه مطالب و کتاب های جدید نداشت در دانشگاه هرات و در رشته پرستاری قبول شد. تصور اولیه اش این بود که بر اساس آیین نامه های داخلی وزارت بهداشت افغانستان می تواند از رشته پرستاری وارد رشته پزشکی شود که بعد از گذشت چند هفته متوجه شد این آیین نامه لغو شده و برای پزشکی شدن دوباره در آزمون سراسری شرکت کرده در دانشکده پزشکی هرات پذیرفته شد.

قرار و مدار

روز چاپ کردن عکس های خاطره انگیز

امروز یک سری به گالری گوشی تون بزنین و فایزله انگیزترین عکس هاش رو جدا کنین. بعد هم چندتا رو پاپ کنین یا حتی رو شاسی بزنین تا بذارید جلوی چشم تون و از دیدن شون، مس فوبی بهترتون دست بده

ما و شما

راه ارتباطی با زندگی سلام: پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰

وتلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

* اولین محصول لگودر پرورنده «اولین محصولات برترین برندها» خیلی جالب بود.

* کار دستنی ساخته شده شماره ۶ در ستون «بخندو چشمک بزن»، خیلی زشت شده. این نکته بچه ام در باره صفحه کودک بود که براتون فرستادم.

* می خواستم بهتون بگم که من اصلاً مطلب «رابطه هوش هیجانی با موفقیت های ورزشی» در صفحه خانواده رو نخوندم چون به جای دادن به داور بازی، فرهاد دوست داشتنی روزیروز سوال بردید!

* از زندگی سلام بابت چاپ مطالب روزانه درباره کرونا ممنونم. مطمئناً هر چه اطلاعات بیشتری درباره این بیماری داشته باشیم، شکست آن را حتر خواهد شد. #ماسک_بزنیم راهم جدی بگیریم.

* خاطره بامزه اون خانمه که برای رفتن به مهمونی، یواشکی لباس خواهرش رو پوشیده بود، منم دقیقاً تجربه کردم.

* در قصه چاپ شده صفحه کودک، بهتر بود که بچه ها ماسک هم می زدند تا خطری جان مادر بزرگ را در روز تولدش تهدید نمی کرد. این مسائل نیاز به فرهنگ سازی دارد.

* درباره اتاق مشاوره صفحه خانواده، می خواستم بگم که باید دست های اون پدر شوهری رو بوسید که داره به پسرش کمک می کنه. پدر شوهر من، چهار تا خونه داره و می بینه که پسرش هر سال با هزار بدبختی مستاجر می کنه ولی به روی خودش نمیاره.

محقق
ندانستن
خودمان برای
تجربه هیجان های
خوشایند

نداشتن
ارتباط های
موثر با دیگران

تکرار
اشتباهات
قبلی و آسیب دیدن از
نتیجه آن ها

مشکل
داشتن برای
تصمیم گیری

درگیر
بودن با
بخش های تلخ
گذشته مان

کمال
گرایی و نیاز
افراطی به شرایط
کاملاً خوب

نگار فیض آبادی
کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

چرا احساس خوشبختی نمی کنیم؟

شوهرم کینه ای است و اشتباهاتم را نمی بخشد

من هم مثل خیلی از آدم ها، اشتباهاتی مرتکب شدم. مثلاً با مادر شوهرم دوایم بشد سر مسئله ای که او مقصر نبود، مدتی به شوهرم و نیازهایش توجه نمی کردم و ... اما او به شدت کینه ای است و من را نمی بخشد. چه کنم؟

راهله فارسی | مشاور

این ادعا که شوهرتان کینه ای است، نیاز به بررسی تخصصی توسط یک روان شناس دارد.

البته باید اشتباه های شما هم به صورت دقیق تر مطرح شود تا بتوان در این باره به جمع بندی دقیق تری رسید. اما شما باید چه کنید؟

ویژگی های افراد کینه ای را بشناسید

این افراد معمولاً منفی نگر هستند و نکات مثبت ماجرا را در نظر نمی گیرند. گذشته را فراموش نمی کنند و فقط به تلخی ها و موارد ناراحت کننده فکر می کنند. همین مسئله باعث به وجود آمدن کینه در آن ها خواهد شد. انتقام دوست جداشتنی کینه است. وقتی کینه به وجود آمد، فکر انتقام لحظه ای

عذرخواهی کنید

اگر واقعا کار اشتباهی کرده اید، مسئولیت آن را به عهده بگیرید. اعتراف کنید که اشتباه کرده اید و برای جبران آن هر کاری می توانید، انجام دهید. اگر فکر نمی کنید

کار اشتباهی انجام داده اید اما می دانید طرف مقابل تان این طور فکر می کند، بگذارید بداند که متوجه دیدگاه متفاوتش هستید و البته از عمد باعث ایجاد مشکل مدنظر نشده اید. اجازه دهید طرف مقابل بداند که از وضعیت پیش آمده متأسف هستید، حتی اگر فکر می کنید خطایی از شما سر نزده است.

بپرسید برای بهتر کردن اوضاع، چه کاری باید کرد

گاهی اوقات نیات خوب شما به همراه عذرخواهی کافی خواهد بود، اما خودتان را آماده کنید! ممکن است شوهرتان پس از عذرخواهی شما، از اشتباهاتان چشم پوشی

رانیزد، آرام نمی گیرد. اگر همه این نشانه ها در شوهرتان هست، شاید بتوان او را کینه ای نامید و گرنه نباید از چنین لفظی در باره اش استفاده کنید. عذرخواهی شما، از اشتباهاتان چشم پوشی نکند. بنابراین در این مواقع، توصیه می شود در یک گفت و گوی مناسب از شوهرتان بپرسید برای بهتر کردن اوضاع، چه کاری می توانید انجام بدهید. از شما می خواهم که برای زندگی مشترک خود زمان بگذارید. اختلاف نظر ها و سوء تفاهم های به وجود آمده در زندگی تان را پیدا کنید. بعد از پیدا کردن این اختلافات سعی کنید علت آن ها را بیابید. بی طرف باشید و ماجرا را از دید یک شخص سوم نگاه کنید.

شما کینه به دل نگیرید

در برابر لجبازی و کینه همسرتان شما مجبازی نکنید چرا که اگر در این دور بیفتید، روز به روز روابطتان بدتر و بدتر می شود و بازگشت به عقب غیر ممکن خواهد شد. همیشه یک راه را به گشت و گردی زندگی تان به جا بگذارید و همه

زندگی سلام
سه شنبه
۱۰ تیر ۱۳۹۹
شماره ۱۶۳۲

خانواده و مشاوره

۳